

## هشدارهایی که یکی پس از دیگری محقق می شوند

بعد از ماجرای روی کار آمدن دونالد ترامپ رهنمودها و هشدارهای رهبر ایران در خصوص برجام یکی پس از دیگری به منصفه ظهور رسید و واقعیت های سیاست آمریکا در خصوص ایران بر ملا شد. رهبر انقلاب بارها هشدار داده بودند که تحریم ها و جنگ اقتصادی آمریکا را باید جدی گرفت و برای آن باید راه حل داشت، بعد از آمدن دونالد ترامپ مشخص شد که آمریکایی ها پی برده اند تنها مسیر وارد کردن ضربه به ایران همین مسیر اقتصادی است.

گروه بین الملل برهان؛ در این یادداشت بر آنیم تا با توجه و تمرکز بر سخنان و نصایح رهبر انقلاب پیرامون توافق هسته ای و برجام به بررسی آن چه در این زمینه ها اتفاق افتاده است، اشاره داشته باشیم. رهبر انقلاب در دیدار رضائی سال گذشته خود با مسئولان نظام به برخی از محسنات، خلل و فرج، وفای به عهد، تهدید در برابر تهدید اشاره داشتند که در زیر به برخی از مهمترین آن ها و اتفاقاتی که در این یک سال و به خصوص با روی کار آمدن دونالد ترامپ بر مسند ریاست جمهوری کاخ سفید ترتیب داده شده است، اشاره می کنیم. در این یادداشت صرفا به مورد نخست یعنی محسنات برجام که آمریکا مانع دستیابی ایران به آن ها شدند اشاره می شود. به عقیده بسیاری از کارشناسان چکیده این محسنات را باید در رفع تحریم ها جستجو کرد. محسنات برجام که آمریکا مانع از دستیابی ایران به آن ها شد چه مواردی بود؟ در این خصوص ذکر دو نکته مورد توجه قرار گرفته است که تقریبا هر دو نکته که می توانست به عنوان محسنات برجام تلقی شود، معطل مانده و نتوانسته عائدی برای ایران داشته باشد.

### ۱. رفع تحریم ها که عملی نشد

یکی از مهمترین معایب برجام این بود که تحریم هایی که ادعا می شد بالمره از بین خواهند رفت و برچیده شدن آن ها زمینه هایی برای رشد اقتصادی و توسعه یافتگی ایران را فراهم خواهد کرد، نه تنها برداشته نشد، بلکه به دلیل استفاده مکرر آمریکا از ابزار تحریم اقتصادی و جنگ اقتصادی، دائم هم مورد استفاده آمریکایی ها قرار گرفت و سبب شد برجام به ابزار اعمال فشار ایران تبدیل شود، چگونه؟ به این ترتیب که آمریکایی ها با این استدلال که برجام صرفا تحریم های هسته ای را شامل می شود و محدودیت های حقوق بشری و حمایت از محور مقاومت که آمریکایی ها با حق و کینه آن را حمایت از تروریسم می دانستند را در بر نمی گیرد و ایران به واسطه فعالیت های منطقه ای، موشکی، حقوق بشر و حتی این اواخر به دلیل آن چه آمریکایی ها طرح مضحک قاچاق انسان عنوان می کردند مورد شدید ترین تحریم های تاریخ قرار می گرفت به گونه ای که حتی برخی از کارشناسان بر آن بودند تحریمی در طول تاریخ آمریکا نبوده که در خصوص ایران عملیاتی نشود. بدین ترتیب تحریم ها که بنا بود به کلی از بین بروند، باقی ماند و تحریم ها ثانویه اصطلاحا برداشته شد ولی به دلیل وابسته بودن آن ها به تحریم های اولیه رفع آنها نیز دچار مشکل شده است (اشاره به هشدارهای رهبری پیش از انعقاد برجام به مذاکره کنندگان).

در اینجا هشدار ها به این موضوع واقف بود که نکند اصلی ترین و مهمترین هدف مذاکرات برای ایران، که رفع تحریم ها بوده است، توسط آمریکایی ها به منصفه ظهور نرسد. موضوعی که رهبر انقلاب با توجه به شناخت از آمریکایی ها و این موضوع که آن ها حاضر نخواهند بود تحریم ها علیه ایران را برچینند، به این مسئله توجه داشتند و نسبت به آن هشدار می دادند.

نشریه «نیویورکر» اخیرا در گزارشی طولانی که پیش از این بخش هایی از آن منتشر شده در مورد «رکس تیلرسون» وزیر خارجه آمریکا، جزئیاتی از نشست وزیران خارجه گروه ۵+۱ و ایران منتشر کرده است. بنا بر این گزارش، «محمد جواد ظریف» وزیر امور خارجه ایران در ابتدای این نشست فهرستی از گلایه های ایران را طرح کرده و گفته است که ایالات متحده آنطور که در توافق هسته ای مقرر شده، تحریم ها را رفع نکرده و «ما هنوز نمی توانیم در انگلستان یک حساب بانکی باز کنیم». نیویورکر با بیان اینکه تیلرسون در این نشست علیه فعالیت های منطقه ای ایران صحبت کرده، به نقل از وی نوشته است: «رفع تحریم ها ذیل مفاد برجام، رفتارهای غیرقابل قبول ایران را مقدور کرده است.» ظریف در پاسخ با اشاره به اینکه در زمان انعقاد توافق هسته ای طرفین تصمیم گرفته اند که مسائل مورد مناقشه دیگر را کنار بگذارند، گفته است که این بدان معنی است که ایران مجموعه ای از گلایه های تاریخی خود را نادیده گرفت: «ایالات متحده همواره به ایران فشار آورده و ایران هم همواره مقاومت کرده است.» وزیر امور خارجه ایران دولت آمریکا را به دلایل مختلف از جمله خودداری از صدور مجوزهای لازم برای فروش هواپیماهای «بوئینگ» و «ایرباس» به ایران به نقض توافق هسته ای متهم کرده و گفته است: «نمی خواهیم در این مورد بحث کنیم. اگر دنبال بهانه ها، برای نقض توافق بودیم، انبوهی از بهانه ها داشتیم.» در پاسخ، تیلرسون با یادآوری تسخیر سفارت آمریکا در تهران پس از انقلاب

اسلامی، گفته است: «روابط معاصر ایالات متحده و ایران، اکنون ۴۰ ساله است. این رابطه برآمده از انقلابی است که پس از آن سفارت ما محاصره شد و رفتار بسیار بدی با ما صورت گرفت... این رابطه بر اساس خشونت علیه ما شکل گرفته است.» وی سپس در مورد روابط دو کشور گفته است: «ما سنمان بالا رفته و موهایمان سفید شده. احتمالاً ما دیگر توان اینکه ماهیت این رابطه را تغییر دهیم نداریم... شاید باید بگذاریم که نسل بعدی تلاش کند.» وزیر خارجه آمریکا که پیش از این رئیس یک شرکت نفتی بوده، سپس اندکی تأمل کرده و گفته است: «نمی‌دانم، من دیپلمات نیستم.» کار تا جایی بالا گرفته که یک دستیار تیلرسون در مورد این نشست گفته است: «این یکی از بهترین لحظات دیپلماسی آمریکایی در ۵۰ سال گذشته بود.»

این دیالوگ بین وزرای خارجه دو کشور و آن جمله دکتر ظریف که حتی در یک بانک انگلستان هم نمی‌توانیم حساب باز کنیم نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها کمر همت بسته‌اند که هیچ عائدی در خصوص برجام به لحاظ اقتصادی نصیب ایران نشود. در حوزه سیاسی نیز آن‌ها پی برده‌اند که نباید به ایران امتیازی بدهند.

## روی فریبکارانه آمریکا

در این فضا آن چه می‌بایست با استمساک به بیانات رهبر انقلاب مورد توجه قرار گیرد، مسئله اساسی بی‌اعتمادی به آمریکا و ماهیت فریبکار این کشور است. آمریکایی‌ها در حین مذاکرات بارها از این پروژه فریبکارانه خود نسبت به ایران استفاده کردند که یک نمونه از آن در زیر می‌آید. آنها در حین مذاکرات تلاش داشتند تا نظم مورد نظر خود برای فضای اجتماعی مطلوب خود برای ایران را به این کشور تحمیل کنند. باراک اوباما رئیس‌جمهور آمریکا در پاسخ به پرسش‌های دو تن از رهبران اصلی جامعه یهودیان در آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران دفاع کرد. وی در این گفت‌وگو که روز جمعه ۶ شهریور ۱۳۹۴ (۲۸ اوت ۲۰۱۵) انجام شده تأکید کرد اشاره کرد که «همچنین با تلاش در جهت پیوند با به اصطلاح میانه‌روهای مد نظر خود در ایران اظهار داشت «هم اکنون آیا من می‌توانم امید داشته باشم که با دسترسی پیدا کردن ایران به تعاملات بیشتر بازرگانی، تعامل با جهان و مبادله دانشجو و شاید تغییر نسل رهبری در این کشور، ماهیت این رژیم نیز تغییر کند؟ کاملاً. اما روی آن حساب نمی‌کنم.» [۱]

در این خصوص آمریکایی‌ها تلاش می‌کردند نوعی پیوند نیز با به اصطلاح غربی‌ها میانه‌روهای داخل ایران نیز ایجاد کنند. این موضوع تا حدی پررنگ شد که برخی از به وجود آمدن فصل نوینی برای همکاری منطقه‌ای ایران - آمریکا سخن گفتند و در حد اغراق آمیز دیگری مسئله «نظم آمریکایی - ایرانی» منطقه خاورمیانه مورد توجه آن‌ها قرار گرفت.

موضوعی که سبب شد حتی برخی از سایت‌ها و روزنامه‌ها دگر اندیش نیز به آن واکنش نشان دهند. برای مثال روزنامه شرق در یادداشتی بیان داشت «اما آنچه که اهمیت دارد، توانایی «نه» گفتن ایران به خط‌مشی‌های سیاسی‌ای است که سیاست‌گذاران آمریکایی به دنبال ترسیم آن هستند. این دکترین نه تنها می‌گوید کسی نباید به آمریکا «نه» بگوید، بلکه باید شرایطی وجود داشته باشد تا تجهیزات نظامی به فروش برسد و سلطه بر منابع استراتژیک جهان نیز ادامه یابد. تحت این شرایط آنچنان که باید و شاید، در آمریکای نومحافظه‌کار وابسته به مجتمع نظامی - صنعتی، صنایع نفتی و سرمایه مالی، نگاه به ایران با توافق هسته‌ای وین تغییری نخواهد کرد.»

رهیافت و اهداف استراتژیک آمریکا در عرصه جهانی بابتی باز کرده است به‌عنوان استراتژی «بازدارندگی» و «مهار» برای بازیگران دگراندیش. یعنی اکنون با پایان یافتن مذاکرات هسته‌ای، دیدگاه غالب این نیست که واشنگتن با سازش و تنش‌زدایی واقعی با تهران، به فکر استفاده از ایران برای صلح خاورمیانه است یا در صدد است برای تحقق سیاست «چرخش اوباما به سمت آسیا-پاسیفیک» یا تکمیل محاصره روسیه از جنوب» هرچه در توان دارد برای نزدیکی به ایران به کار گیرد؛ اگر هم این موضوع راهبرد بلندمدت آمریکا باشد، استراتژی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با چنین اهدافی سازگار نمی‌شود. در سطحی کلان، بحث بر سر فاز جدیدی از الگوی «مهار نفوذ منطقه‌ای» و «بازدارندگی استراتژیک» ایران در خاورمیانه مطرح است و نه همکاری. چراکه آمریکایی‌ها می‌دانند ایران نیز همچون خودشان در برخی اهداف و سیاست‌ها، حداقل در خاورمیانه به لحاظ فکری، خاستگاه و اهداف، جابه‌جایی راهبردی ندارد. بنابراین، در ایده‌آل‌ترین شرایط، دو کشور می‌توانند در خاورمیانه، نواحی خارج از کنترل را مهار کنند و با تجربه همکاری اقتصادی و فرهنگی محدود، در بُعد سیاسی و امنیتی نیز با راه‌اندازی خط ارتباطی «هات‌لاین» روابط خود را به صورت «صلح مسلحانه» حفظ کنند و ادامه دهند. پس در کوتاه‌مدت، انتظار نظم نوین آمریکایی - ایرانی در

## ۲. ممانعت از گردش پولی - مالی بانک ها

آمریکایی ها همچنین شدیداً تلاش کردند تا از گردش پولی - مالی بانک ها ممانعت ورزند و مانع از حل شدن مشکلات بانکی و تعاملات مالی ایران با نظام بانکی بین المللی شوند (که به دلیل ترس بانکهای بین المللی از تحریم مجدد ایران از تعامل با ایران بیمناک هستند). ممانعت آمریکایی ها در کنار یک پروژه کهنه آن ها یعنی ترساندن نظام اقتصادی و مالی بین المللی از داشتن روابط با ایران نشأت می گرفت. آن ها شدیداً علاقه داشتند ایران در وضعیت هشدار باقی بماند تا بتوانند از این وضعیت و گشایش در این وضعیت به نفع اهداف آینده خود بهره برداری کنند در رسیدن به این هدف نیز موفق بودند. شرکت های بین المللی با اکره وارد ایران شدند و همان شرکت هایی نیز که به دلیل وضعیت بد اقتصادی خود ناچار به یافتن و گشایش یک بازار جدید بودند و بازار بکر ایران برای آن ها بسیار وسوسه بر انگیز بود نیز بعد از هشدارهای آمریکایی ها به صراحت بیان داشتند که بار و بندیل سفر خود را خواهند بست و ایران را ترک خواهند گفت. دو نمونه از آن در زیر بیان می شود:

### ۰۱.۰۳ رنو

کارلوس گوسن، مدیر ارشد اجرایی گروه رنو زمانی که در مورد این طرح توضیح می داد، در پاسخ به چالش های پیش روی این شرکت در ایران با توجه به احتمال اعمال مجدد تحریم ها علیه این کشور گفت: «مشخص است اگر تجارت با ایران غیرممکن شود، ما با همکاری یکدیگر برنامه ای طراحی می کنیم که تجارتمان در آنجا را تعلیق کنیم اما این اقدام به هیچ وجه به معنای این نیست که ایران را ترک می کنیم.» شرکت رنو پیش از تشدید تحریم های غرب علیه ایران به بهانه برنامه هسته ای در این کشور فعال بود و زمانی که این تحریم ها در سال ۲۰۱۵ برداشته شد، در میان نخستین شرکت های بزرگی بود که به ایران بازگشت. گوسن تأکید کرد: «بازار ایران پتانسیل زیادی دارد. اگر ما نتوانیم آنجا بدون درنگ فعالیت کنیم پس برای یک سال، دو یا سه سال در آنجا فعالیت می کنیم، زیرا من فکر نمی کنم که این موقعیتی باشد که برای همیشه ادامه یابد.»

### ۰۲.۰۲ ایرباس و بوئینگ

مورد دوم به قرار داد ایرباس و بوئینگ بر میگردد که واقعا مشخص نیست هنوز تکلیف آن ها در صورت بازگشت تحریم ها چگونه خواهد بود. اگرچه انتقادات زیادی نیز به نحوه وضع قراردادهای این دو شرکت هوایمایی با ایران شده است (همچون انتقادهایی که در خصوص قرارداد با شرکت خودروسازی رنو با ایران شده است)، اما با این حال نیز مشخص نیست تکلیف این قرارداد ها در صورت از بین رفتن برجامی که حالا خیلی هم امیدوار کننده نیست با این وضعیت فعلی نیز ادامه داشته باشد، چگونه خواهد بود.

علاوه بر این آمریکایی ها تلاش داشتند تا گردش مالی و پولی ایران را به صفر برسانند. در همان روزهای بعد از توافق آمریکایی ها وزیر خزانه داری خود را مامور کردند تا به کشورهای اروپایی سفر کند و به آن ها هشدار دهد که از برقرار کردن روابط تجاری و تبادلات بازرگانی با ایران اجتناب کنند، چرا که به زعم باراک اوباما به عنوان تجویز کننده این ماموریت، چیزی در خصوص ایران تغییر نکرده بود و ایران کماکان می بایست در شرایط هشدار باقی بماند.

### جنگ اقتصادی

بدین ترتیب آمریکا مانع اصلی برقراری اتصالات سیستم بانکی ایران با نظام مالی بین المللی شد و جنگ اقتصادی خود علیه ایران را کلید زد، موضوعی که بارها رهبر انقلاب در خصوص آن هشدارهای خود را بیان کردند. حضرت آیت الله خامنه ای در مردم آذربایجان، آمریکا می خواهد با تکرار ترفند تهدید و جنگ نظامی، توجه مسئولان کشور را از صحنه جنگ واقعی یعنی جنگ اقتصادی منحرف کند، مسئولان هوشیار باشند و همه همت خود را صرف حل مشکلاتی همچون بیکاری، رکود، گرانی و تبعیض کنند. [۳]

رهبر انقلاب در اواخر بهمن سال ۱۳۹۵ در دیدار مردم آذربایجان بیان داشتند بنده چهار پنج سال یا شش سال قبل از این در سخنرانی اول سال گفتیم که امروز نگاه دشمنان ملت ایران به مسئله اقتصاد است؛ سعی دارند به اقتصاد کشور فشار بیاورند؛ اقتصاد کشور را آن چنان زیر فشار قرار بدهند که مردم دچار مشکل بشوند. وقتی مردم دچار مشکل شدند، دل زده میشوند، دل سرد میشوند؛ دشمن همین را میخواهد.

دشمن می‌خواهد مردم از انقلابشان، از نظامشان، از دولتشان، از کشورشان دل‌سرد بشوند، دل‌زده بشوند؛ لذا روی مسئله‌ی اقتصاد فشار می‌آورد؛ و فشار آوردند. مسئولین باید به این نکته توجه کنند. [۴]

البته این‌جور نیست که مسئله‌ی ما فقط مسئله‌ی اقتصاد باشد؛ همه میدانند، بنده روی مسئله‌ی فرهنگ خیلی حساسیت دارم، روی مسئله‌ی علم خیلی حساسیت دارم لکن وقتی که در زمانهای محدود اولویتها را نگاه میکنیم، مسئله‌ی اقتصاد کشور در اولویت اول قرار میگیرد؛ چون دشمن به این متوجه است؛ امروز هم همان کارها را دارند میکنند؛ این را همه توجه کنند. چه در دوره‌ی دولت قبلی آمریکا، چه در دولت فعلی آمریکا، یکی از ترفندهای دشمن این بوده است که مرتب تهدید کنند به جنگ؛ و [اینکه] گزینه‌ی نظامی روی میز است و مانند اینها. آن مسئول اروپایی هم، به مسئولین ما میگوید که جنگ در ایران حتمی بود؛ اگر برجام نبود، حتماً جنگ بود؛ دروغ محض! چرا میگویند جنگ؟ برای اینکه ذهن ما برود به جنگ [اما] جنگ واقعی چیز دیگر است؛ جنگ واقعی جنگ اقتصادی است، جنگ واقعی تحریم است، جنگ واقعی گرفتن عرصه‌های کار و فعالیت و فناوری در داخل کشور است؛ این جنگ واقعی است. ما را به جنگ نظامی متوجه میکنند تا از این جنگ غفلت کنیم؛ جنگ واقعی جنگ فرهنگی است. این همه تلویزیون‌های گوناگون و شبکه‌های اینترنتی مشغول کارند برای اینکه دل و ذهن جوان ما را از دین و مقدسات و عفت و حیا و مانند اینها دور کنند؛ دارند جدی تلاش میکنند، پولها خرج میکنند برای این کار! جنگ واقعی این است. [۵]

### فرجام سخن

بعد از ماجرای روی کار آمدن دونالد ترامپ رهنمودها و هشدارهای رهبر ایران در خصوص برجام یکی یکی به منصفه ظهور رسید و واقعیت‌های سیاست آمریکا در خصوص ایران یکی یکی بر ملا شد. رهبر انقلاب بارها هشدار داده بودند که تحریم‌ها و جنگ اقتصادی آمریکا را باید جدی گرفت و برای آن باید راه حل داشت، بعد از آمدن دونالد ترامپ مشخص شد که آمریکایی‌ها پی برده اند تنها مسیر وارد کردن ضربه به ایران همین مسیر اقتصادی است. کار تا جایی پیش رفت که آمریکایی‌ها تمام گزینه‌های روی میز خود را رها کردند و صرفاً به همین گزینه تمسک جستند، موضوعی که سبب شد شدیدترین تحریم‌های تاریخ علیه ایران وضع شود. تحریم‌هایی که به تعبیر بسیاری از کارشناسان تا بحال سابقه نداشته علیه یک کشور وضع شود. اگرچه پشت پرده تحریمهای ایران روابط منطقه‌ای آمریکا با رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی قرار دارد، و این موضوع نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها حساب ویژه‌ای روی دلارهای نفتی عربستان کرده اند، اما آن چه محرز است این است که ایران در دوره دونالد ترامپ باید مسیر اقتصادی خود را که عدم وابستگی به نوسانات اقتصادی بین‌المللی است مشخص کند، در غیر این صورت با حجم وسیعی از مشکلاتی ناشی می‌شود که ریشه آن‌ها را باید در ناکارآمدی اقتصاد کشور دنبال کرد. موضوعی که می‌تواند باعث نارضایتی اجتماعی نیز شود و هدف آمریکایی‌ها نیز تشدید فشارهای اقتصادی علیه ایران کشاندن کشور به همین مسیر ورود به نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی است تا به واسطه آن پروژه بعدی خود یعنی تغییر رفتار و تغییر رژیم را به صورت جدی دنبال کند.